جامعه، ورزش و جوانان

کاشف، مجید

مقدمه

امروزه گسترش رشته‏های گوناگون علوم،زمینه‏ای برای شناخت پدیده‏های نامعلوم دیگری فراهم ساخته‏ است و بسیاری از مکشوفات جدید مرهون تأثیرگذاری پدیده‏های مختلف بر یکدیگر است.در میان رشته‏های‏ متنوع علمی،حوزهء تربیت‏بدنی و ورزش نیز دستخوش دگرگونی‏های اساسی شده و درحال‏حاضر،دنیایی‏ از معارف در این رشته علمی در پیش روی بشر قرار گرفته است.

ورزش و آثار آن را می‏توان در تمام زوایای زندگی جوامع انسانی بخصوص در جوامع صنعتی مشاهده‏ کرد.برنامه‏های ورزشی بیش از یک پنجم کل برنامه‏های تلویزیونی جهان را تشکیل می‏دهد و پربیننده‏ترین‏ و مستمرترین برنامه‏های تلویزیونی،بخش‏های ورزشی و گزارش مسابقه‏های ورزشی است

برای بسیاری از مردم،بخش‏ ورزشی جالب توجه‏ترین قسمت روزنامه‏ و مجله است.میلیون‏ها نوجوان و جوان‏ در ورزش‏های غیررسمی و منظم شرکت‏ دارند و غالبا ورزش شیرین‏ترین و ماندنی‏ترین خاطره‏های زندگی آن‏ها را تشکیل می‏دهد.ورزش همانند آینه‏ای‏ است که منعکس‏کننده ارزش‏های‏ مطلوب جامعه است.ورزش وسیله‏ مناسبی برای تحرک،ترقی اجتماعی و ابزاری اساسی برای یادگیری و جامع‏پذیری است.

ورزش یکی از پدیده‏های اجتماعی‏ است که آثار انکارناپذیری بر افراد جامعه‏ بخصوص نسل جوان می‏گذارد.ورزش‏ و تربیت‏بدنی در شکل‏گیری علایق، تمایل‏ها و نگرش‏های جوانان در جامعه‏ نقش مهمی دارد.در تعمیم و گسترش‏ ورزش باید به آن به عنوان وسیله‏ای در جهت پرورش قوای ذهنی و جسمی توجه‏ کرد.

جوامع امروزی و عوامل وابسته‏ به آن

جامعه امروزی و عوامل وابسته به آن‏ بیش‏تر به ورزش از بعد قهرمان‏پروری، کسب سکوهای جهانی و پیروز شدن در عرصه‏های بین المللی توجه دارد؛تا از این راه علاوه‏بر ایجاد انگیزه در جوانان‏ برای پرداختن به ورزش،در تثبیت‏ سیاست‏ها و حاکمیت ارزش‏های موجود در آن تلاش کند.تحقیق‏های مختلف این‏ گفته را تأیید می‏کند.به‏طوری که در تحلیل محتوای مجله‏های ورزشی‏ مشخص شده که 68% مطالب نشریه‏های‏ ورزشی به این مهم اختصاص یافته است‏ و در نتایج تحقیق‏ها،بهاء دادن به تیم‏های‏ برتر و افراد پیروز را در رسانه‏های گروهی‏ تائید می‏کند.هدایت افکار به سوی‏ پیروزی و قرار دادن آن در حیطهء ارزش‏ها و از باخت یا شکست ضد ارزش یاد کردن،نمی‏تواند فعالیت سازنده‏ای برای‏ تعمیم و گسترش ورزش باشد.زیرا ممکن است با ناامید کردن بسیاری از جوانان و علاقه‏مندان به ورزش به دلیل‏ شکست خوردن آن‏ها را از ادامه فعالیت‏ بازدارد.براساس آمار به دست آمده تنها 3% از جمعیت کشور در مکان‏های‏ ورزشی به‏طور مستمر ورزش می‏کنند و شاید این تعداد اندک ورزشکار دلیلی بر این مدعا باشد.

این‏گونه تفکر درصورتی می‏تواند افکار جامعه را به سوی جنبه‏های مثبت‏ ورزش سوق دهد که بتوان علاوه‏بر کسب‏ پیروزی در میدان‏های ورزشی، ورزشکاران را الگو یا نشانه‏هایی از ارزش‏های معنوی جامعه معرفی کرد.در این صورت،برای آماده‏سازی تیم‏های‏ ورزشی علاوه‏بر برنامه‏ریزی و اجرای‏ تمرین‏های بدنی باید برای رشد و تعالی‏ جنبه‏های اخلاقی آنان نیز برنامه‏ریزی کرد که این مهم خود نیاز به مطالعه و بررسی‏ در خصوص شیوه‏های اجرایی آن دارد.

خانواده و محیطهای آموزشی نیز دو رکن اساسی در تربیت جوانان برای‏ شناخت مسؤولیت‏های آنان در قبال‏ ورزش اهمیت دارد.اما فقر علمی، کمبودها و محدودیت‏های موجود آثار شگرفی به‏جا گذاشته است که می‏تواند جوانان را از ورزش منحرف سازد.این‏ انحراف زمانی بارزتر می‏شود که به‏ اختلاف موجود میان دختران و پسران از نظر فرهنگی و اجتماعی توجه کنیم.این‏ تفکر که دختران نباید ورزش کنند،هنوز در بسیاری از خانواده‏ها وجود دارد ولی‏ برای پسران این محدودیت وجود ندارد.

براساس تحقیق‏ها دختران در سنین‏ قبل از ازدواج کم‏تر به باشگاه‏ها برای‏ ورزش کردن روی می‏آورند ولی پس از ازدواج این امکان را پیدا می‏کنند که‏ بیش‏تر در باشگاه‏ها و اماکن ورزشی به دختران در سنین قبل از ازدواج کم‏تر به باشگاه‏ها برای ورزش کردن روی می‏آورند

برنامه‏های ورزشی بیش از یک پنجم کل برنامه‏های تلویزیونی جهان را تشکیل می‏دهد

فعالیت بدنی بپردازند.در خصوص‏ پسران این نتایج کاملا برعکس بوده‏ است.پسران مجرد فرصت بیش‏تری‏ برای ورزش‏کردن در باشگاه‏ها دارند،اما با تشکیل خانواده کم‏تر به این مهم‏ می‏پردازند.

آمار و ارقام نشان می‏دهد،در مجموع مردان بیش‏تر از زنان به ورزش‏ روی می‏آورند.با توجه به برابری تقریبی‏ تعداد زنان و مردان در جامعه کنونی، مردان 8/6 برابر بیش‏تر از زنان ورزش‏ می‏کنند.

باید توجه داشت که نیاز به ورزش‏ آثار سوء انکارناپذیری بر قابلیت‏های‏ دختران نسبت به پسران به‏جا گذاشته‏ است.تحقیق‏ها نشان می‏دهد، قابلیت‏های جسمانی دختران از قبیل‏ آمادگی قلبی و تنفسی؛سرعت؛ استقامت و قدرت با افزایش سن کاهش‏ می‏یابد.درصورتی‏که این قابلیت‏ها در پسران با افزایش سن بهبود می‏یابد و سیر صعودی دارد.این یافته‏ها نشان می‏دهد که عامل رشد آثار مثبت در عملکرد پسران دارد و فعالیت‏های بدنی پسران‏ هماهنگ با رشد و آمادگی بدنی آنان‏ است؛اما در دختران با رسیدن به سن‏ بلوغ و بعد از آن کاهش می‏یابد و فعالیت‏های بدنی آنان هماهنگ با رشد و در جهت بهبود قابلیت‏های بدنی آنان‏ نیست.

علل متعددی درباره دختران وجود دارد که می‏توان به تغییرهای هورمونی، فیزیولوژیک و افزایش میزان چربی آن‏ها پس از بلوغ اشاره کرد.اما موقعیت‏های‏ خاص روانی-اجتماعی،که در جامعه در مورد دختران وجود دارد،نیز از عوامل‏ مهم است.این یافته‏ها نشان می‏دهد که‏ رسانه‏های گروهی با تبلیغ‏هایی که‏ دربارهء آثار مفید ورزش کرده است و می‏کند،هنوز نتوانسته است این باور خانواده‏ها را تغییر دهد.محیط باشگاه‏ها و اماکن ورزشی باید چنان سالم شود تا از نظر فرهنگی مکانی برای ارتقای‏ دختران باشد.در این صورت،می‏توان‏ امیدوار بود که دختران برای پرداختن به‏ فعالیت بدنی در این مکان‏ها محدودیتی‏ نداشته باشند.

درحال‏حاضر،مدارس، محیطهای آموزشی و باشگاه‏های دولتی‏ تنها مکان مطمئن برای ورزش کردن‏ دختران جوان است.با توجه به کمبود فاحش فضاها و سالن‏های ورزشی‏ مخصوص دختران و بانوان،امکان‏ شرکت قشر وسیعی از آنان در فعالیت‏های‏ ورزشی وجود ندارد و در نتیجه،دچار فقر حرکتی می‏شوند.

بنابراین،عامل‏های متعددی برای‏ دستیابی نداشتن جوانان به دیدگاهی‏ روشن از ورزش و شناخت‏ مسؤولیت‏های خود در قبال آن وجود دارد که به برخی از آن‏ها اشاره می‏شود:

1-نشناختن اهمیت ورزش در ساختار جامعه که ابزار فرهنگی و بهداشتی است.

2-وجود تنگناها،کمبودها و هماهنگ نبودن رشد جمعیت با توسعه‏ فضاهای ورزشی به‏ویژه برای بانوان.

3-کارایی نداشتن تشکیلات ورزش‏ در شناخت ضعف‏ها و ایجاد برنامه‏ریزی‏های اصولی برای رفع آن‏ها.

4-بی‏توجهی رسانه‏های گروهی به‏ اشاعه فرهنگ ورزش و تعمیم،گسترش‏ آن بین جوانان.

5-کمبود نیروی مجرب و آگاه برای‏ هدایت و سوق دادن جوانان به سمت‏ فعالیت‏های ورزشی.

این عوامل باعث شده است تا دختران‏ و پسران ما ارزش‏های واقعی ورزش را عاملی برای افزایش روحیه جوانمردی، بهترین ابزار جلوگیری از انحطاط اخلاقی و فساد،ارتقاءدهندهء سلامتی، بهداشت و عاملی برای شکوفایی ذهن و استعدادها ندانسته و نتوانند از آن در جهت‏ صحیح استفاده کنند.